

بیت المقدس و فلسطین را آزاد کنید!

در شماره قبل ضمن تشریح تاریخ «اورسالم» باین-جا رسیدیم که اورسالم توسط نیروهای مسلمان ، بدون هیچگونه خونریزی فتح شد و مسلمانان بمردم شهر امان دادند که در کمال آزادی به زندگی خود ادامه دهند.
و اینک بقیه ماجرای اورسالم..

بیت المقدس در دست مسلمانان :

.. پس از فتح مسالمت آمیز «اورسالم» یا «ایلیا» بوسیله نیروهای اسلامی ، بحکم قداستی که قرآن مجید در باره این سر زمین قائل شده و آنجا را پربرکت نامیده بود و بعلمت آنکه نخستین قبله مسلمانان در آنجا قرار داشت ؛ مسلمانان نام آن شهر را « بیت المقدس » گذاشتند .

هنگامیکه مسلمانان امور بیت المقدس را در دست گرفتند ، این شهر ویرانه ای بیش نبود . ایرانیان در طول تصرف آن از ۶۱۴ تا ۷۲۸ میلادی ، ویرانهائی در سراسر شهر بوجود آوردند و حتی معابد و کلیساهای مسیحیان نیز از خرابی بی نصیب نماندند ولی با ورود مسلمانان ، آبادی کامل شهر آغاز گشت و بر روی ویرانه های یک معبد قدیمی که صد ها سال بود بحالت زباله دانی در آمده بود ، مسجد کوچکی ساخته شد که بعدها تجدید ساختمان گردید . مسیحیان هم که از آزادی های همه جانبه در سایه حکومت اسلامی بر خوردار شده بودند ، همدوش مسلمانان به تعمیر خرابیهای و کلیسای قیامت ، و کلیسای عزرا ، پرداختند و بدین ترتیب میتوان بیت المقدس را یک شهر تجدید بنا شده در دوران اسلامی نامید .

در سال ۷۵ هجری ، خلیفه وقت ساختمان مسجد اقصی را تجدید و تکمیل نمود و تا آنجا بامسیحیان خوش رفتاری کرد که آنان را در ساختمان مسجد شرکت داد .
 «عبدالله طاهر» نماینده حکومت «مأمون» در شام و مصر ، به تزیین مسجد الصخره اقدام نمود و حتی کتیبه های مربوط بان دوران ، هنوز در دیوارها و سقف آنجا جلوه گراست ، در آن قرون بیت المقدس ، بعنوان جزئی از قلمرو شام و فلسطین در اختیار «عباسیان» بود تا آنکه «فاطمیان» بر آنجا چیره شدند .

بعد از این مدت ، آل بارسلان سلجوقی ، بر فلسطین مستولی شد و تقریباً پس از چهارترن و نیم ، بار دیگر بیت المقدس بدست ایرانیان افتاد ، ولی طولی نکشید که در اثر سوء سیاست فرمانداران سلجوقی ، ساکنین بیت المقدس همراه دیگر مردم شام و فلسطین به «فاطمیان» مصر پناه آوردند .

فاطمی ها که اختیار دار بیت المقدس شده بودند ، بعزت و ناط داخلی ، نتوانستند در مقابل تجاوز خارجی مقاومت بخرج دهند و پاپ اوربن سوم ، با مساعدت معنوی «پترس» راهب «جنگ مقدسی» را بر ضد مسلمانان برانگیخت و در ماه ژانویه ۱۰۹۹ میلادی ، لشکر کشی از «غرب» مسیحی بسوی بیت المقدس آغاز گردید .

جنگ های صلیبی :

«آلمر ماله» و «ژول ایزاک» در تاریخ عمومی خود مینویسند : مقصود از اردو کشی های مسیحیان در طی قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ نجات بیت المقدس و تربت عیسی از دست مسلمانان بود . پاپ اوربن دوم ، با حضور جمع کثیری از روحانیون و امانای دین ! نصاری را دعوت نمود که اسلحه بردارند و تربت عیسی را نجات دهند . پاپ در مرکز و جنوب فرانسه بگردش پرداخته مردم را بجهنگ ترغیب میکرد و ضمناً بموم اساقفه نامه نوشت و آنها را دعوت نمود که برای جهنگ «صلیب» بوعظ پردازند و دیگران را نیز بوعظ وادارند و وعده داد که هر کس در اردو کشی شرکت کند ، آمرزیده خواهد شد .

روز حرکت قشون صلیب بحکم پاپ اعلام گردید . گوئی تمام اروپا از جا کنده شد . عده افراد قشون به یکک میلیون نفر میرسید ولی مرد جنگی بیش از سیصد هزار نفر نبود . قشون صلیب سه سال بعد از تاریخ حرکت به بیت المقدس رسید ، در این موقع بیش از چهل هزار نفر از افراد قشون باقی مانده و بقیه در راه تلف شده بودند .

تشنگی باقیمانده افراد را تهدید میکرد ، لذا دیوانهوار حمله کردند و وارد شهر شدند و خونریزی سختی بر پا کردند ، «گودفرو آدوبویون» به پاپ نوشت : ما اگر میخواهید بدانید با دشمنانی که در بیت المقدس بدست ما افتادند چه معامله شد ، همینقدر بدانید که کسان ما ، در

رواق سلیمان و در معبد، در لجه‌ای از خون مسلمانان می‌تاختند و خون تازه‌ای هر کب میرسید فقط ده هزار مسلمان در معبد؛ قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت تا بند پایش را خون می‌گرفت... از کفار (مراد مسلمانان است) هیچکس جان سالم بدر نبرد و حتی زنان و اطفال خردسال را هم معاف نهموندند؛ پس از کشتار نوبت بغارت رسید و کسان ما چون از خونریزی سیر شدند، بغانه‌ها ریختند و هر چه بدستشان افتاد غارت کردند... (۱)

آری! پس از یکماه محاصره، صلیبی‌ها توانستند بیت المقدس را اشغال کنند (۴۹۲ هجری - ژوئیه ۱۰۹۹ م) و پس از اشغال آن، چنانکه از قول مورخان غربی خواندید بوحشیانه‌ترین اعمال دست زدند.

در این جنگ مقدس!!! که بدستور مستقیم پاپ و پدران روحانی برپا شده بود صدها هزار مسیحی ساده‌دل در طول راه از تشنگی و گرسنگی تلف شدند، و ۷۰ هزار مسلمان مقیم شهر قتل عام گشته و یهودیان نیز از کشتار و آزار و آتش مسیحیان بی‌بهره نماندند و تنها عامل این بدبختی‌ها در آن تاریخ، این بود که زمامداران کشورهای اسلامی بعزت اختلافات داخلی و انحطاط اخلاقی نتوانستند در مقابل هجوم نیروهای متجاوز، عکس-العمل مهمی از خود نشان دهند (۲)

مدتی تسلط جابرا نه مسیحیان ادامه یافت و در این مدت، نه مسلمانان و نه یهودیان از هیچگونه آزادی برخوردار نبودند تا آنکه در ماه جمادی الثانیه سال ۵۸۳ هـ (۱۱۸۷ م) صلاح الدین ایوبی برای نجات بیت المقدس اردو کشی نمود و آنجا را بمحاصره انداخت و درست پس از یک هفته محاصره: بیت المقدس را تصرف نمود، اما او مانند صلیبی‌ها رفتار نکرد و از هرگونه اعمال خشونت‌آمیز و کشت و کشتاری، خودداری نمود و بمسیحیان اجازه داد که یا به شهرهای خود برگردند و یا آزادانه در آنجا زندگی کنند. او بمسلمانان اجازه نداد که به معابد مسیحیان اهانتی روا بدارند ولی مساجد را که صلیبیان تغییرشان داده بودند، بصورت نخستین درآورد.

اشغال مجدد بیت المقدس

«فردیک دوم» امپراتور آلمان بدستور پاپ «هنوئوریوس سوم» به نیروهای مسیحیان بسیج داد تا بیت المقدس را از نو از دست مسلمانان خارج سازند، زیرا پس از مرگ صلاح الدین، اختلافات موجود در بلاد اسلامی پیروزی صلیبی‌ها را

(۱): تاریخ عمومی آلبرماله قسمت قرون وسطی ج ۲ صفحه ۲۴۸-۲۵۷ چاپ تهران

(۲): الحروب الصلیبیه فی المشرق والمغرب تألیف: محمد العروسی المطوی، چاپ

پذیر ساخته بود .

در سال ۶۲۵ هـ (سپتامبر ۱۲۲۸ م) فردريك دوم بسوی مصر رهسپار شد و كامل، پادشاه مصر، طی قرار دادی كه با امپراطور آلمان بست، **بيت المقدس** را به صليبي‌ها تحويل داد ، بشرط آنكه مسجد اقصی و قبة الصخره در دست مسلمانان باقی بماند و فرماندار دهات اطراف ، از مسلمانان انتخاب گردد.

این سازش مورد رضایت مسلمانان و صليبي‌ها قرار نگرفت و در زمان حكومت صالح ایوبی پسر كامل ایوبی، صليبي‌ها نیروهای جدیدی برای اشغال كامل و همه جانبه **بيت المقدس** فرستادند ولی نیروهای مسلمانان مردانه جنگیدند و در سال ۶۴۲ هـ (۱۲۴۴ م) **بيت المقدس** را از سیطره صليبي‌ها خارج ساختند و به ساكنان آن اجازه دادند كه با كمال آزادی ، در كنار مردم مسلمان زندگی كنند .

... از سال ۱۵۱۷ میلادی **بيت المقدس** تحت اداره حكومت عثمانی درآمد و همچنان در دست آنان قرار داشت تا آنكه در ۱۹۱۷ میلادی ۱۳۳۷ هجری ، امپریالیسم انگلیس بهم کاری نیروهای متفقین و سربازان «انقلاب عربی» آنجا را تصرف کردند.

بدین ترتیب از سال ۱۵ تا ۱۳۳۷ هجری ، جز در مدت تقریباً یک قرن ، مدت دوازده قرن و نیم اداره **بيت المقدس** با مسلمانان بود و پیروان مذاهب گوناگون از آزادی زیارت و رفت و آمد در آن شهر ، برخوردار بودند.

ادعاهای بی اساس یهود:

در شماره قبل از تورات (۱) آیه ای آوردیم كه بصراحت میگفت «آن مرد» وارد شهر اورشالم نشد برای آنكه در آنجا یك نفر هم از بنی اسرائیل وجود نداشت و بعد ها نیز هنگامی كه مسلمانان این شهر را فتح کردند «صفر و نیوس» كشیش بزرگ شهر كه نماینده قاطبه مردم شهر بود، پیشنهاد كرد كه بعلت خرابكاری اقلیت یهودیان احدی از آنان در این شهر اقامت نوزد و مسلمانان نیز این شرط را پذیرفتند . قرن‌ها بعد كه **بيت المقدس** بوسیله صليبيان اشغال شد یهودیان باقیمانده هم مانند مسلمانان قتل عام شدند و دیگر کسی از آنان ساكن آن شهر نبود.

آن گروه از جهانگردان یهودی كه در خلال قرن دوازدهم میلادی به **بيت المقدس** آمده اند ، اثری از خانواده‌های یهودی در آنجا ندیده اند : «تباحثا جهانگرد یهودی مینویسد كه هنگام زیارت **بيت المقدس** در سده ۱۲ م ، بیش از یك نفر یهودی در آنجا ندیده است : هوسی بن نعمان از مردم ژیروند كه در سده سیزدهم بدانجا رسید جز دو خانواده یهودی در قدس نیافت و بنیامین طلیطلی هم پیش از آنها وضع را از همین قرار دیده است.

(۱) سفر داوران باب ۱۹ آیه ۱۱

در سال ۱۵۷۲ م در آماره‌ای که بمجلس شرعی قدس تسلیم شد ، برای مجلس وجود ۱۱۵ نفر یهودی در ولایت قدس بشبوت رسیده است که تنها ۵۵ نفر آنها در ناحیه مجاور و حرم همیزسته اند و اسامی آنها در دفتر ۵۵ محکمه مشرع قدس در صفحه ۲۰۷ وارد است. در سال ۱۶۸۸ م بنا بشهادت دفاتر همان محکمه تعداد یهودی قدس از ۱۵۰ نفر تجاوز نکرده است ، (۱) اکنون باید دید که یهودیان چرا با این سابقه تاریخی !! ، ادعای مالکیت فلسطین و بیت المقدس را دارند؟

اگر سابقه و طول مدت اقامت در بیت المقدس دلیل صحت ادعای یهود باشد ، باید اعلام داشت که یهود بیش از تقریباً چهار قرن ، آنهم پیش از میلاد مسیح بیت المقدس را در اختیار نداشته است ، در صورتیکه مسلمانان مدت ۱۲ قرن و نیم تمام بیت المقدس را اداره میکردند بویژه که از نسل کنمانیان ، صاحبان قانونی و منطقی آنجا هم بودند . پس مسئله باین سادگی نیست؟ و باید دید که قضیه از چه قرار است :

توطئه امپریالیسم غربی

در قرن نوزدهم که مسئله دخالت مستقیم استعمار مسیحی غربی در قسمتهای تجزیه شده حکومت عثمانی ، بعنوان مسئله مشرق زمین ، در محافل جهانخواوران امپریالیست غرب مطرح شد ، نقشه‌های گوناگون برای تثبیت نفوذ قاطع و همیشگی آنان ، پیشنهاد گردید گروهی از سیاستمداران انگلستان ، به پشتیبانی سرمایه‌داران یهودی ، نقشه تأسیس حکومت آل داود را در قلب بلاد عربی طرح کردند تا علاوه بر ایجاد آشوب دائمی و مرکز جاسوسی در ممالک اسلامی و جلوگیری از وحدت و همبستگی همه جانبه و احتمالی مردم خاور میانه ، راه دریائی هند و کشورهای مشترک المنافع بریتانیا را در دست داشته باشند و خنجرى در دل خلافت اسلامی جای دهند که تا جای زخم آن انقیام نیابد ، هرگز نتوانند سر بلند کنند .

از نیمه دوم قرن نوزدهم ، مهاجرت آرام‌چهود و خرید اراضی فلسطین بوسیله سرمایه‌داران یهودی آغاز گردید ، غفلت و تباهی زمامداران کشورهای اسلامی و حرص و آز صاحبان املاک ، باعث گردید که مقداری از اراضی فلسطین به تصرف مالکانه یهود درآمد .

از آن تاریخ بپید ، بویژه پس از جنگ جهانی اول ، نقشه خائنانه امپریالیسم انگلیس بمرحله اجرا درآمد و پس از جنگ جهانی دوم ، تاریخ اعلام حکومت آل داود فرا رسید و در آن هنگام که نیروهای اشغالگر انگلیسی خواستند فلسطین را ترک کنند ، باندازه کافی زمین و نیرو در اختیار یهود قرار داده بودند که بتوانند قسمت‌های دیگری از آنرا اشغال کنند و یاد

(۱) از مقاله آقای محیط طباطبائی در تهران‌منصور شماره ۱۲۴۸

دست خود نگهدارند .

یهودیان مقیم فلسطین ، به پشتیبانی صهیونیسم و امپریالیسم بین المللی و تبهکاران امریکائی ، روسی و انگلیسی ، اسرائیل را بوجود آوردند و یکصد میلیون نفر از مردم مسلمان و اصلی آنسامان را آواره نمودند تا مهاجرین یهودی اروپائی و آمریکائی را در جای آنان بنشانند کسانیکه بشهادت عهد عتیق و تاریخهای معتبر ، مدت پنجاه هزار سال ساکنان اصلی فلسطین و بیت المقدس بودند ، بزور سر نیزه و آهن و آتش در بدر شدند ، تانقشه امپریالیسم مسیحی و صهیونیسم جهانی عملی گردد و پایگاهی در قلب بلاد عربی ، برای تجاوزهای بعدی ایجاد شود اکنون اسرائیل طبق نوشته مطبوعات فرانسوی با خیال خام و احمقانه ای گویا در فکر تشکیل امپراطوری عبری است و میخواهد وسعت خاک خود را تا فرات و دره نیل و شام و لبنان و مدینه منوره گسترش دهد و ۵ میلیون یهودی را از اروپا و آمریکا وارد کند و در «امپراطوری عبری» جای دهد .

البته مقاومت سرسختانه مردم بیت المقدس و دیگر صاحبان اصلی فلسطین ، سرانجام با فسانه «امپراطوری عبری» پایان خواهد بخشید ، ولی آنچه که در این میان قابل بررسی است اینست که بدانیم مردم متمدن اروپا و بشردوستان غربی ، در قبال این تجاوزها و تبهکاریها این وحشیگریها و آدمکشیها ، چه واکنشی از خود نشان دادند؟

آری باید پرسید که : جناب برتراند راسل فیلسوفی که برای نجات جان چومبه اعلامیه صادر میکند و آقای ژان پل سارتر و دارودسته «عصر جدید» ش که مدعی انسان دوستی و دفاع از حق هستند چه اقداماتی کردند؟

ژان پل سارتر ، و گروههای دست چپ فرانسه که گویا سرلوحه برنامه شان دفاع از آزادی و حقوق ملل ضعیف است !! دست بکارهایی زدند که ما از سکوت برتراند راسل باید متشکر باشیم . . .

روزنامه های فرانسوی خیر دادند که دست چپی های فرانسه «حضرات و وجدان جهانی» از «سارتر» گرفته تا «دانیل مایر» رئیس مجمع دفاع از حقوق بشر و «لانژمن» عضو باند «عصر جدید» سارتر ، با همکاری مطبوعات بورژوا و ارگانهای پول و سرمایه داری و شرکت بانکداران یهودی ؛ نظیر «روچیلد» بزرگترین تظاهرات ضد عربی را برآه انداخته و همه باهم به کمک اسرائیل شتافتند و در عرض ۴۸ ساعت بیش از سه میلیارد فرانک اعانه جمع آوری کردند البته حساب سرمایه داران و صاحبان سهام کارتهای نفتی و کارخانه های اسلحه سازی آمریکا و انگلیس و آلمان غربی و دیگر محافل ارتجاعی غرب هم از وضع دست چپی های فرانسه هوادار

و کبک آزاد، روشن است

ولی آنچه که بیشتر قابل توجه است اینست که بدانیم پاپ دوستدار ملل مسلمان او هوا- دار اتحاد ادیان در قبال کمونیسم هنوز در فکر آنست که از پشت بمسلمانان خنجر بزند و بیت المقدس را بوسیله قدرتهای بزرگ جهانی، بین المللی اعلام دارد.

پاپ و واتیکان از چند سال پیش که یهود را از توطئه قتل مسیح تبرئه کرد (و در واقع کتاب مقدس را تکذیب نمود (۱) اکنون به کوششهای وسیعی دست زده تا بلکه بتواند مسیحیان غیر کاتولیک و کاتولیکهای غیر رومی را نیز راضی سازد تا آنان نیز نغازت یهود یا بین المللی- شدن بیت المقدس را بپذیرند و برای همین منظور، دشمنیهای گذشته با کلیسای ارتدوکس و گریگوری، را فراموش میکند و روانه ترکیه میشود تا علاوه بر آنکه بطور پنهانی از مسجد ایا صوفیاء که روزگاری کلیسا بود بازدید کند، با خلیفه بزرگ ارتدوکسها و رهبران کلیساهای شرقی هم ملاقات کند (۲) و آنان را آماده سازد که توطئه امپریالیستی بین المللی شدن بیت المقدس را قبول کنند....

* * *

شکی نیست که هم اکنون بیت المقدس در دست متجاوزان تبهکار اسرائیلی قرار دارد و باز شکی نیست که امپریالیسم و صهیونیسم خواستار آن هستند که بیت المقدس هر گز در اختیار مسلمانان قرار نگیرد، و برای همین منظور اسرائیل را در نقض آشکار تصویبنامه سازمان ملل در لزوم تخلیه فوری بیت المقدس تقویت مینمایند ولی باید توجه داشت که در آینده و یا

باید بیت المقدسی وجود داشته باشد و در اختیار مسلمانان، و یا باید آنسان را بگورستان متجاوزین تبدیل نمود و این یک حقیقت انکارناپذیر است که آیندهی شاید نه بسیار دور؛ صحت و اصالت آنرا اثبات خواهد نمود

سر نوشت بهم پیوسته اردو گاه ملل مسلمان، ایجاب میکند که ما این حقیقت را هم بطور آشکار اعلام داریم که: مسلمانان ایران، در مسائل مشترک جهان اسلام همیشه طرفدار حقوق ملل اسلامی بوده و خواهند بود و همین علت مردم مسلمان سراسر ایران، همصدا با همه ملتهای مسلمان و آزادی- دوست جهان خواستار خروج فوری نیروهای متجاوز از سر زمینهای اسلامی اشغال شده و هوادار برگشت بی قید و شرط و مجدد فلسطین، به «دارالاسلام» هستند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمیورزند و برای هر گونه فداکاری آماده اند.

(۱) کتاب مقدس مسیحیان بصرحت یهودیان را مسئول خون مسیح معرفی میکند.

(۲) مجله Hilal چاپ ترکیه سال هفتم: شماره ۷۳ ص ۶